

۱۱۰۲۶۶۷

۴۳۳

از داد گسترده زبان رشت
و همچنین از شعرهای آنجا تکمیل

دارد

کتابخانه آنتالین «طالقانی و زمانه ما»

رشت - چهارراه لویه - قالیشوئی بیلان ۱۱

بنواد مرزبان مقدم

با نهایت احترام در تمام دنیای متمدن امروز دادگستری مرجع تنظیمات عمومی است و دستگاه دادگستری است که باید رفع ظلم نموده و حق را بحقنار داده و عدالت را اجرا نماید و برای اجرای عدالت قاضی باید عادل و از هرگونه صفات ناپسند عاری و پیری با عدواگر به خواهم عدالت را جامعه برقرار نماید لازمه این است که دادگستری سالم و پاک باشد با همه البته دادگستری را با تمام تشکیلات و تشرفاتش داریم و قوانین نیز . ولی متأسفانه خاندان چیل پهلوی و عمال فاسد دادگستری را به مرکز بی عدالتی و بیادگری و ظلم و جور تبدیل نموده اند که عده ای افراد ست عنصر و نفوذ پذیر و خود فروغ بنام قاضی ایستاده و ندیده بناحق مقامات دادگستری را اغفال نموده اند بدون اینکه صلاحیت و عصیت قضائی و وجدان یا کی داعت به اعد طبعی است که دستبخت چنین قضائی جز بی عدالتی و ظلم و ستم نمیتواند باشد البته - حساب افراد عریف و قنات ها کی که کم نیستند از این افراد جدا است و چون همین افراد است که باعث بدبینی مردم نسبت بدستگاه عدالت موجود بی عدالتیهای دادگستری در شهرستانها بمراتب گسترده تر و بیشتر از مرکز است زیرا اکثر متصدیان امور قضائی مطبی هستند و به نحوی با طرفین دعوی اعنا و روابط هم ارجح هر ضوابط حال بعد از این مقدمه ظلم و جوری را که به محض وارد شده و هنوز هم در راست به عرض رسانیده است ای بسا بدل توجه دارم در او اخر سال ۱۳۵۰ حساب جاری مشترکی دریا نك عمران رشت با انضی بنام مهدی کریمی بساز کردیم تا مشترکاً با مورثی برتری بهرنازیم تراستند ما ۵۶ بوسیله بهرم که با کس رشت است اطلاع حاصل کردم که اداره گاهی در حضور جودی حساب جاری مشترک و سپرده انضی حفر را توقیف کرده است جهت استفسار از چگونگی در مورخه ۱۳/۱۱/۵۶ با اداره گاهی شهرستان رشت مراجعه کردم ولی بهرنازیم که جواب با تهنیدواراً سرمنگ دوم معاف رشتی وقتاً گاهی رشت مواج گریه کردم که با لخره بنسرتو سرمنگ معاف سروان کسائی چند ورقه کاغذ را نوشته و میتوان برگها ز جویی با اینجانب تکلیف کردند که ما * نمایم بدون اینکه هیچ اجازه دهند از مفاد مطالب او را مطلع کردم بهر و زور با رفتاری که کنجه امیز که در آگاهی موسوم بوده با تهنید و ارباب و دارم کردند تا نیل او را بر ما * نمایم و سپس بدادگستری و معبه اول با زبسی بهرستان رشت اعزام کردند تصور میکردم که در محضر با زبسی و ما * تراست رفتاری جبری و غیر قانونی مسئولین آگاهی - مطرح و از آقای زبسی استناد نمایم ولی متأسفانه آقای والشی که بدوران با زبسی معبه اول داسرای رشت مسئول مثلاً انجام وظیفه بود رفتار نامنجان که فقط برار زنده قاضی چون او میتواند باشد - ما مورثی گاهی را رؤسید کرد که با خود گفتیم صرحمت بکفن نزد قدیم - آقای با زبسی و چون اینگونه تحقیقی از اینجانب بنماید و یا استوالی کندهی مقدمه جروج به قضائی و امانت نمودند القاضی که در همین اویهان بیشتر مرسوم است و در شان یک با زبسی ابدا * نه با اعد طبعی است با زبسی که چنین القاضی رکیکی برزبان با می کند لیاقتش را بیشتر بر نظر دارد و همان قضائی ها بیشتر برار زنده خود را به بعد تا - شنونده و با لخره به نماز بهر لهری امانت شروع کردند به تهنیدوار عاب که چنین و چنان میکنم و سالها در - زندان نگاهت میدارم در نهایت تعجبها جواج مانده بودم که این چه وضع تحقیق و با زجویی است با لخره آقای با زبسی و رفقای را بر کرده و تکلیف ما * کرد و مرچه گفتیم که من خود سواد دارم عما مشوال - بفرمائید بنده جوابها را به خود مینویسم و این قضائی من است که این با صلاح قضائی تحقیق فرور رفت و بدون اینکه مانند آگاهی اجازه بفرماید از مطالب ورقه صلح با عم با تهنید با اینکه پرونده را بسا واک عوام فرستاد و دارم کرد تا نیل انرا ما * نمایم و بلافاصله با قرار بازداشت و ممنوع الملاقات روانه زندانم کرد و تازه متوجه عدم که چون آقای مهدی کریمی خیابان بنا بدکایت با نك تهران توقیف

عده بنده هم به علت اینکه با ایشان حساب جاری مشترک دارم و موجودیم توقیف شده عودم نیز باید توقیف کردم تا موجودیم را ببانگ تهرانی تقدیم نمایم و نظر مقامات آگاهی و آقای با زبیر هم همین بود که بنده را نیز فشار قرار دهد تا تسلیم عودم و موجودی و حسابم را که تنها نارائی و حاصل زحمات بنده نه روزی چندین ساله ام بود و معرعات خانوادگی و کثیر المدد ام بنا کی تقدیم نمایم و این برای من امکان پذیر نبود در خلال مدت مدیدی که با زناعت بودم بهر مقامی توسل و نادخواهی نمودم ولی مصداق آنچه البته بجائی نرسد فریاد است بی نتیجه ما ندوان آقای با زبیر همیکه تا ز میسندان بودند و همچنان تحت نفوذ عاکی یا لخره به مدت ۹ ماه با زناعت بی مورد و ممنوع الملاقات آقای با زبیر صحبت نموده و پرونده را بنادگاه جنائی گیلان حاکم فرمودند بدون اینکه ملاقاتم را آزاد نمایند (در این مورد با زبیر یا فاد عم قنائی بوده یا مرضانه رفتار کرده چرا که بعد از ختم تحقیقات متنوعیت از ملاقات با بترفع عود) بنا به قی قانونی زنادگاه تقاضا کردم که بهیستراتی پرونده احضار نمایند تا با اطلاع از محتویات پرونده آماده دفاع با عم با قید اینکه حتماً دادگاه ما ننندارها آگاهی و با زبیر خواهد بود و حقایق را مورد توجه قرار میدهند ولی تصور میکنید چه حد؟ هیچ دادگاه با جوابی که به تقاضای منوع و قانونی ما دادارها آگاهی و با زبیر را روستا نکرد متوجه عدم کفایت این قاضی تا به حدی که است و دیدم که در دادگاه نیز روابط است که حکم فرما است نه نواب ط و هر مرحله ای طی میشود (از آگاهی تا بعد از نفوذ عاکی ریشه دارتر میشود حال اینم اب دادگاه چه بوده؟ جواب این بود چون عاکی بسواد تخصصی داده اید قرائت پرونده میسر نیست فقط همین حال ملاک تعیین دادگاه چه بوده نمیدانم با اینکه کلیه لواحق رسالی در خلال مدت بخل خودم بوده و بر پرونده نیز با سواد نبودم قید شده بود مصداقاً روین بود که دادگاه هم از اعمال نفوذ عاکی بر کفار و جبراً نبوده و با این ترتیب - خواسته است که مدت حق اعتراض بنواقص فاحش و عاکی که با زبیر مصداقاً اعمال کرده منقضی و پرونده ای ناقص و بی پروا ته در دادگاه مطرح جدولی با لخره با ارسال چند لایحه و استدلال و اثبات با سواد بی تجربه و بی مهارت برای پرونده خوانی احضار گردیدم و متوجه نواقص محرز و مسلم پرونده دیدم که لایحه رفع نواقص در موعد قانونی ارسال نمودم حال به بیمم چرا از آگاهی گرفته تا با زبیر و دادگاه زبیر نفوذ عاکی قرار دارند؟

روشن است که مقامات یاد شده اکثراً محلی و ساکن شهرستان رعیت با عاکی و با نانو مقامات با نکی نیز و این قایان - صرف اعنائی محلی و این که ممکن است بر انجام امور با نکی و در مواقع اغذوا و غیره تسهیلاتی می طلبد از یک دستگاه و موسسه ربا خوار می نماید و با نکی می نماید از طرفی عاکی که به عنوان وکیلها ننگ معرفی شده است گویا از قنات - بر تنسته دادگستری گیلان است و همکار و همقطار سابق مقامات قنائی ولی من چه هیچ *

با نکی دارم نه اعنائی و نفوذ محلی ایضا است که اگر قاضی بوظیفه خلیف خود و اتقینا عده که دستگاه عدالت به منبع ظلم و بی عدالتی و نفوذ با لخره به دوازده قریب یکسالها زناعت بی مورد و بی انگیزگی در مورخه ۵۷/۱۱/۲۳ به هنگام بهر روزی انقلاب اسلامی و سقوط رژیم و بی عدالتی و کثرت زناعتها من نیز مانند هزاران زندانی بی گناه و با با گناه دیگر بحکم اجبار ازاد عدم نا گفته ماند که رئیس دادگستری گیلان و دادستان استان ازهما نرو زناعت دیدیدیدند چرا که از اندامات متعصبانه خود واقف بودند و بنا به دیدند تا از ختم انقلابی در اما نیا مفکر بکردم حال که انقلاب اسلامی بهر و گردیده و بلا غلط سوت و اعوان و انما و سقوط کرده اند با بطلت اعنائی است اسلامی زمن هم رفع ظلم خواهد شد و انطوریکه لازمه انقلاب است دادگستری زلوث و جود عناصر تا با نفوذ بنیر با که خواهد عدولی متاسفانه هنوز که هنوز است همان قایان نفوذ بنیر و ترجیح دهند روا بظهور ضوابط با تغییر رنگ صدر کارها و خود میبایند و جائی تعجب است که چند نفری از همین افراد عضویت دادگاه انقلاب اسلامی را هم عهده دار میبایند چرا که دادگستری بعد از بهر روزی کاملاً انقلاب و سقوط لیا می با یگا های استبداد دوبر تاریخ ۵۷/۱۱/۲۳ اعلام همبستگی با انقلاب مقدس اسلامی کرده و بسطک انقلابیون در آمدند تا اینها رینا ما انقلاب بنوا نند نظریات خود را اجرا نمایند اعلام همبستگی با دادگستری

(۴)

گمان بعد از بیروزی کامل و اتعا • فضا است خوب اگر اعلام همبستگی نمیکردند چه میتوانستند کرد؟
 آیا این اعلام همبستگی میتواند این افراد را قتل‌عام نموده و قلم ببلان بگذشته تا آن که مروج ظلم و ستم
 بودند بکند؟ آیا نباید انقلاب در میان دگستری تاثیر نماید و نباید تصفیه نا دگستری از عناصر انجمنی
 جزوا ولویت‌ها بآید؟ این افرادی که سالها با روابط و خصوصیتها خود گرفته و در جهت حفظ منافع طرف قویتر
 دعوی و ترفیق‌ها تا مین منافع خود را باطل کرده و باطل را بجای خود نهادند چگونه میتوانند خود را
 با این انقلاب و عدالت اجتماعی و اسلامی تطبیق نمایند؟ فسادنا برستی با خونریزی و بی این عناصر عین
 عده است اینک بیرونده جهت دفع نفس از نادگاه بیازیرسی عصبه اولویت اعاده عده ولیها زیرسی که از بند
 تشکیله بیرونده التاجرای مقاصد ما کی بوده و عمدا • بیرونده را ناقص بنادگاه فرستاده و آن رفتار غیر
 انسانی را در مرحله اولهین گرفته است چگونه میتواند خلاصا بهای خود را بیرونده بهیوماند و تائید نماید
 این نمونه‌ای کوچک از صدها جنایت و خلافکاری است که نا دگستری‌های غیرستانیها اما لوجاری میشوند حال با
 چنین وضعی آیا با زهم مروج رسیدگی به ظلمات همین نا دگستری بهیوماند دگراست؟
 قصد داشتیم خود را بناد دگستری رشت معرفی نمایم ولیها به این وضع فکر کردیم بچها مدعی خود را مجددا • گرفتار
 زندان کنیم و با زهم مروج خود را بنست اما لوجاری (با زیرسی عصبه یک رشت) بسیارم؟ و با زهم ماها و عاید
 مهالها عا نوادها م را بی زیرسی بگنارم؟ منتظر تحویل شدن و اصلاح نا دگستری هستیم تا قنای شریف و با لوجاری
 بستهای قنای را تحویل گیرند تا برای رفع ظلم خود را در بناه قانون عدل اسلامی قرار دهیم و وظیفه هر فرد -
 مومن با انقلاب است که فسادها و نارسانیها را بیان نماید تا بدگاه موثر واقع شود.

با نهایت احترام - محمدجواد مرزبان مقدم

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

